



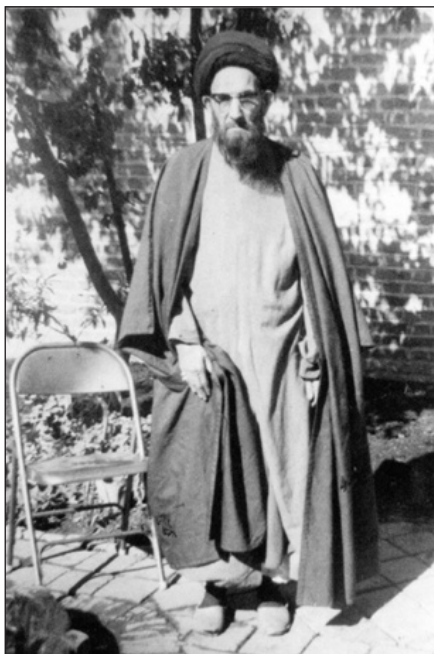
تصاویر و اسناد



آقا سید هاشم میردامادی نجف آبادی
در زندان رضاشاه



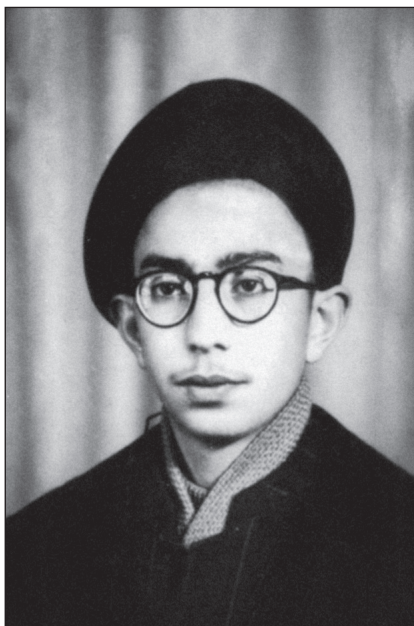
▲
پدر بزرگ مادری ام، آقا سید
هاشم میردامادی نجف آبادی،
از علمای معروف که به علم
و زهد و تبخّر در تفسیر قرآن
شهرت داشت.



پدرم در میانه‌ی بازار مشهد که محلّ
کسبه و تجّار و سرمایه‌داران است،
امامت مسجدی را داشت؛ عفیف و
باحیا بود و نسبت به مال و منال از
مناعت طبع برخوردار بود.

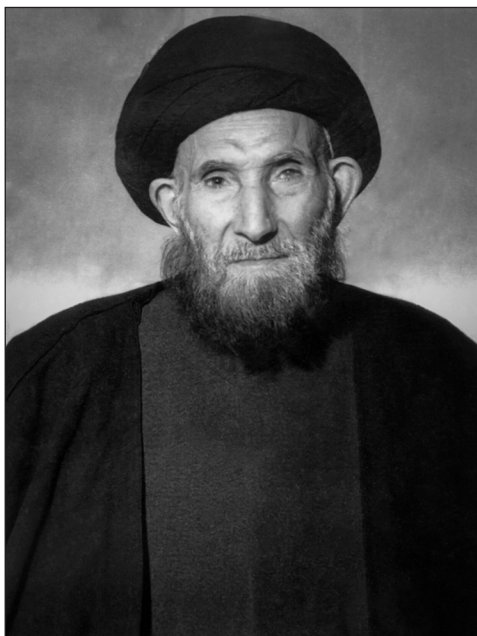
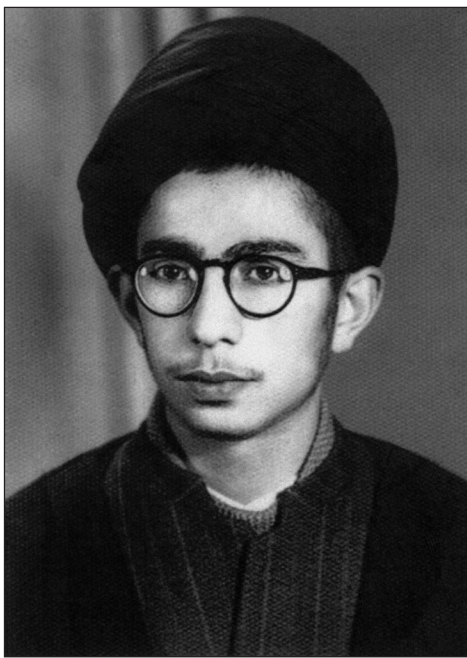


در کودکی وقتی کلاس دُوم ابتدایی
 بودم، عمامه گذاشتم. علت این
 عمامه‌گذاری زود هنگام آن بود که در
 آن دوران، مردم عادت به پوشاندن
 سر داشتند. طبیعتاً پدر حاضر نبود ما
 کلاه پهلوی به سر بگذاریم؛ بنابراین
 چاره‌ای جز عمامه نبود.



در تجوید قرآن کریم و تلاوت آن با صدای خوش، زبانزد بودم. در مراسم دبستان و مراسم
 استقبال از شخصیت‌هایی که به مدرسه می‌آمدند، قرآن تلاوت می‌کردم.

در سال ۱۳۳۲ از مدرسه‌ی
 سلیمانیّه به مدرسه‌ی نَوّاب
 منتقل شدم. در این دوره بود
 که شایستگی‌ها و توانایی‌های
 من شکوفا شد و در خود اشتباهی
 سیری ناپذیری برای فراگرفتن
 دروس و قدرتی فوق‌العاده برای
 درک و فهم آنها یافتم.



من در خانه‌ی پدر، از فقر
 چیزهایی دیده‌ام که در خانه‌ی
 علمای دیگر کمتر دیده میشود.
 پدر هیچگاه از ناداری و
 تنگدستی خود با کسی سخن
 نگفت، بلکه برعکس، به سبب
 مناعت طبع و توجه به وضع
 ظاهر، مردم ایشان را فردی
 توانگر میپنداشتند.



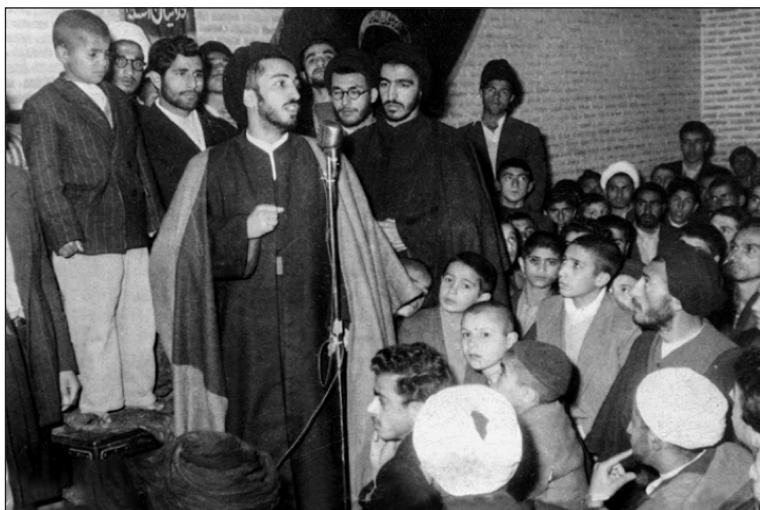


سمت راست حجّت الاسلام سیّد هادی خامنه‌ای و سمت چپ آقای سیّد حسن خامنه‌ای



از راست حجّت الاسلام سیّد هادی خامنه‌ای، حجّت الاسلام سیّد محمد خامنه‌ای، حضرت
آیت الله سیّد جواد خامنه‌ای، آیت الله میرزا حبیب الله ملکی تبریزی، حجّت الاسلام سیّد
محمد باقر حجتی، حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله)

مرحوم شهید نواب صفوی
 نخستین جرقه‌ای بود که راه
 اسلام را به معنای فراگیر انقلابی و
 پویای آن در برابرم روشن ساخت.



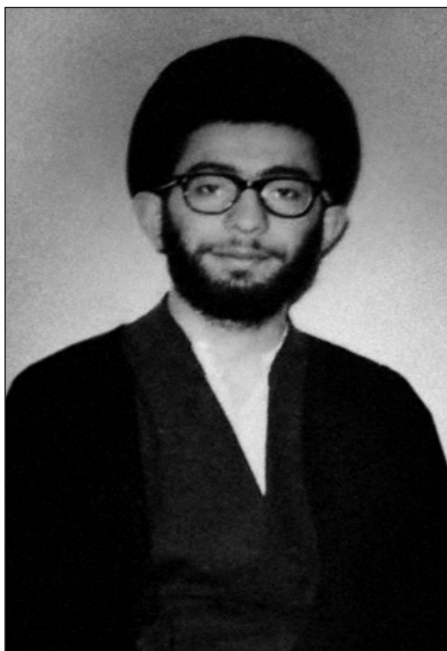
هنوز این صدای نواب در گوشم طنین انداز است که میخواند: «یا ابن آدم! وقر الزاد فإنَّ
 الطريق بعيدٌ بعيدٌ... و جدّد السفينة فإنَّ البحر عمیقٌ عمیقٌ...».



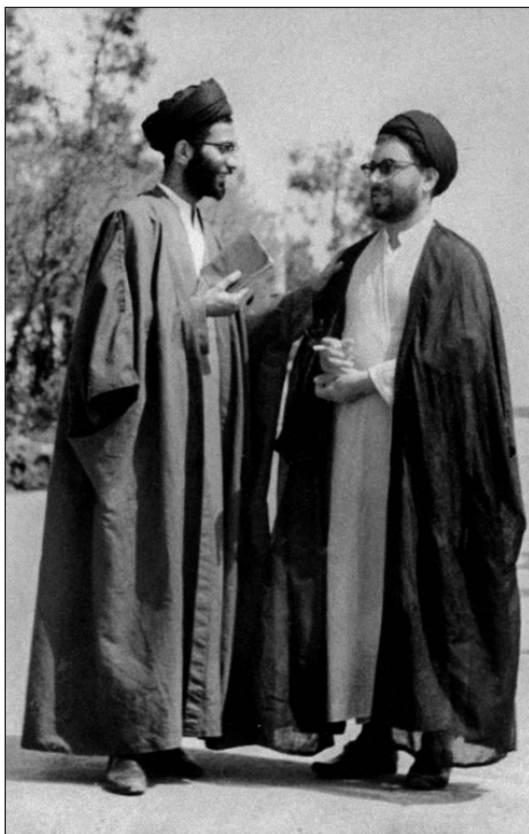
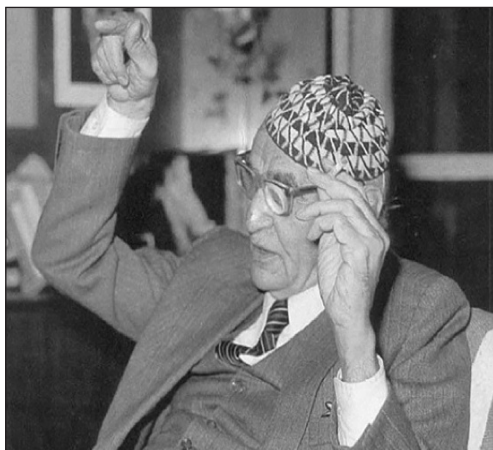
سال بعد از شهادت نواب، ما
به شخصی برخوردیم که برای
گذراندن تعطیلات تابستانی به
مشهد آمده بود. اسمش «عبّاس
غله‌زاری» و از اعضای فدائیان
اسلام بود.



در سفر به عراق میکوشیدم فقط به
عربی حرف بزنم، ولی گاه با مشکل
تفاوت میان زبان فصیح و عامیانه
مواجه میشدم.



من آثار نویسندگان و شعرای بزرگ
معاصر مصری، شامی و عراقی
را خوانده‌ام؛ گمشده‌ی خود را
در سروده‌های محمدمهدی
جواهری، شاعر عراقی، یافتم.
او زبان و بیان عربی اصیلی
دارد؛ کما اینکه توجه به رنجه‌ها و
آمال مردم و تأثیرپذیری از آن،
از ویژگی‌های برجسته‌ی شعرا و
است.



وقتی دوست لبنانی ادیب
و فاضلم، مرحوم سید
محمد جواد فضل‌الله
از انقلابیگری و مواضع
باصلابت جواهری برایم
گفت، به این شاعر بیشتر
علاقه‌مند شدم.





سخنرانی در اجتماع عظیم مردمی در مشهد، پائیز ۱۳۵۷



سخنرانی در اجتماع پرشور مردمی در مشهد، پائیز ۱۳۵۷

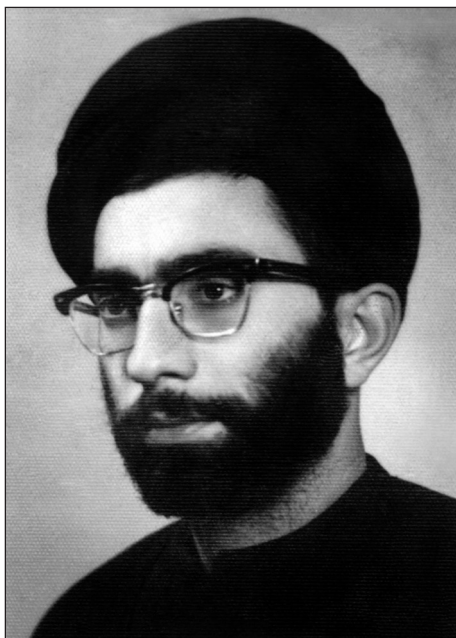


اجتماع عظیم مردمی در مدرسه‌ی علمیّه‌ی نواب، پائیز ۱۳۵۷



اشخاص از راست عبارتند: شهید سیدفخرالدین رحیمی (تبعیدی)، آقای موسوی گرمسار (تبعیدی)، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (تبعیدی)، آقای سیدجعفر میردامادی، آقای راشد یزدی (تبعیدی) و شهید حسین فاضلی.

کتاب «آینده در قلمرو اسلام» سید قطب را ترجمه کردم. این کتاب موضوعات زیادی را برای بحث و بررسی در ذهنم برانگیخت که آنها را هم به کتاب اضافه کردم. همین اضافات سبب حساسیت بیشتر دستگاه ساواک شد.



امام خمینی استادی جدی بود با لباسی مرتب و فوق العاده تمیز. سربه زیر وارد جلسه‌ی درس میشد، با جدیت درس میداد، به پرسش‌ها و اشکالات طلاب با دقت و توجه تمام پاسخ میگفت، و در عین حال میان طلاب - اعم از شاگردانش و غیر شاگردانش - محبوبیت بسیاری داشت.

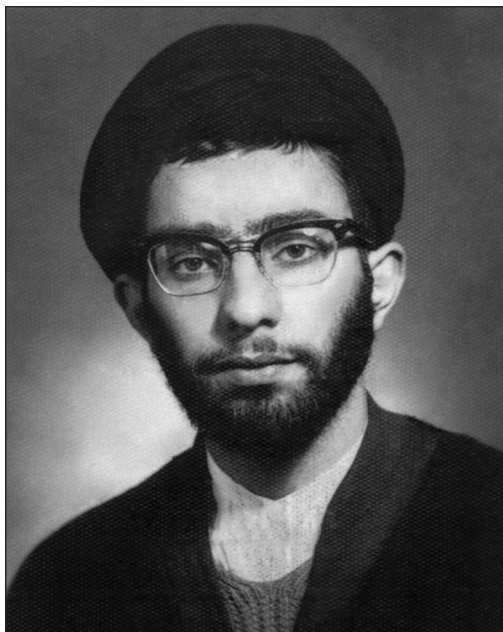


در این جو سرشار از خشم و ناخشنودی علیه قدرت حاکمه، و لبریز از احساسات اسلامی انقلابی، اعلام شد که امام روز عاشورا به منبر خواهد رفت... در روز موعود، امام سخنرانی تاریخی شگفت‌آور خود را ایراد کرد.



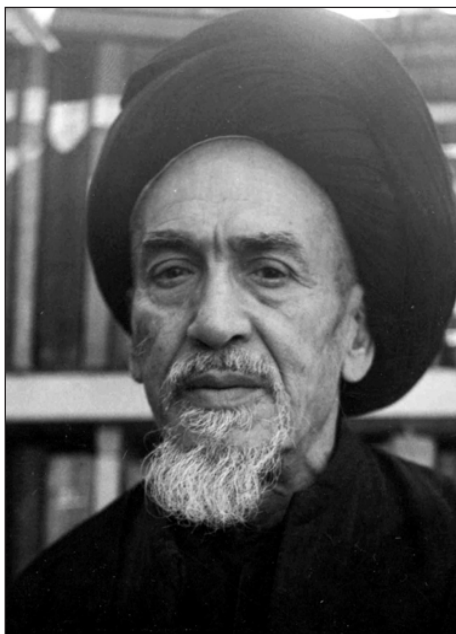
بیوت سایر مراجع که در نهضت شرکت داشتند - مانند بیت آقای گلپایگانی، آقای مرعشی نجفی، و آقای شریعتمداری - نیز به همین‌گونه بود؛ اما محور و شخصیت برجسته و جدی این میدان، شخص امام بود.

در آغاز محرم رهسپار بیرجند
شدم تا طبق برنامه‌ی امام، در
آنجا دست به افشاگری علیه
رژیم شاه بزنم.

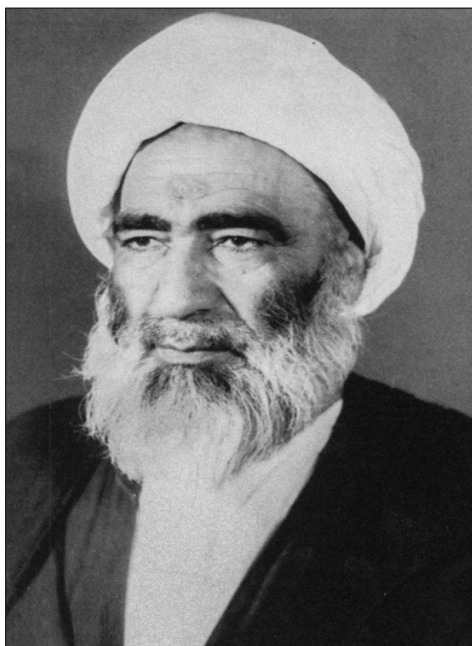


من شهر بیرجند را از این جهت
انتخاب کردم که این شهر دژ
«امیر اسدالله علم» بود. او ظاهراً
مقام وزارت دربار را داشت، اما
در واقع جایگاهش خیلی از این
مقام بالاتر بود. او یکی از رجال
قدرتمند کشور بود.





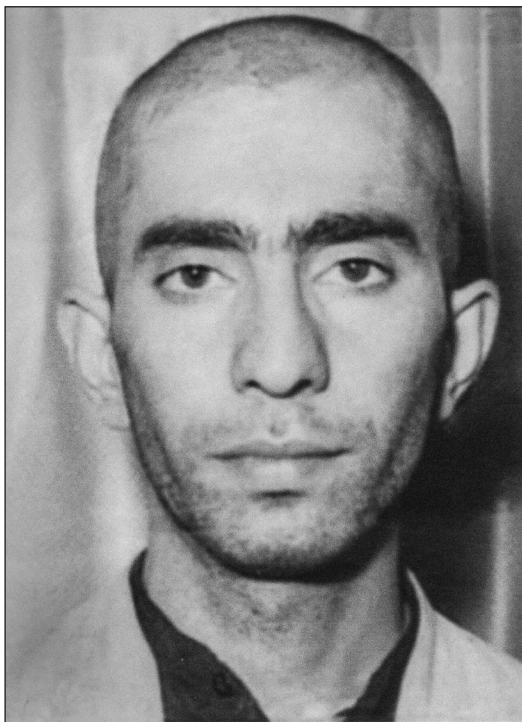
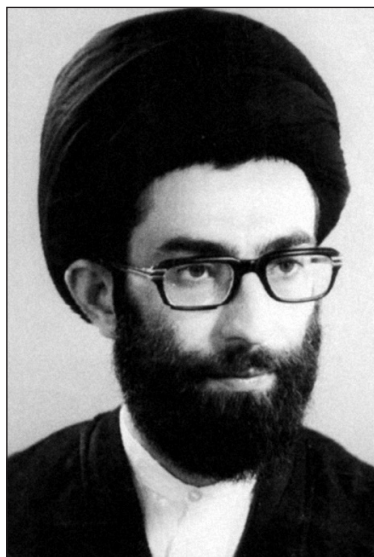
آیت‌الله میلانی در آن زمان از علمای
بزرگ و رده‌ی اوّل و از مراجع تقلید
ایران بود؛ نسبت به من محبّت
بسیار داشت؛ و میدانست که هدف
من از سفر به زاهدان، انجام یک
وظیفه‌ی مبارزاتی است.



سراغ خانه‌ی آقای کفعمی را
گرفتم و به آنجا رفتم. در زدم.
برای نخستین بار با روحانی
پُرهیبت و متین پنجاه‌ساله‌ای
روبرو شدم؛ بلندقامت و تنومند، با
محاسنی بلند، که عمامه‌ی بزرگ
و سفیدی به سر داشت.



گفتم: شما مأمورید و من هم مأمورم. من
 موظفم رسالت دینی خود را انجام دهم،
 شما هم میتوانید وظیفه‌ای را که برعهده
 دارید، انجام دهید. شما کاری بیش از کشتن
 من از دستتان برنمی‌آید، و من خود را برای
 کشته شدن آماده کرده‌ام؛ پس مرا از چه
 میترسانید؟! ▶



در مسیر، یک افسر جوان
 که به گستاخی و وقاحت
 معروف بود، مرا دید و از
 دور به تمسخر صدا زد:
 آشیخ! ریشت را تراشیدند؟
 و من فوراً پاسخ دادم:
 بله، سالها بود که چانه‌ی
 خودم را ندیده بودم و حالا
 الحمدلله میبینم! و بدین
 ترتیب اجازه ندادم خشنود و
 دلخوش بشود. ◀



سالها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، عمامه‌گذاری حجت‌الاسلام محمدعلی روحانی فرد که در اسفند ۱۳۴۶ در حمله‌ی رژیم بعثی به هواپیمای مسافری به شهادت رسید.



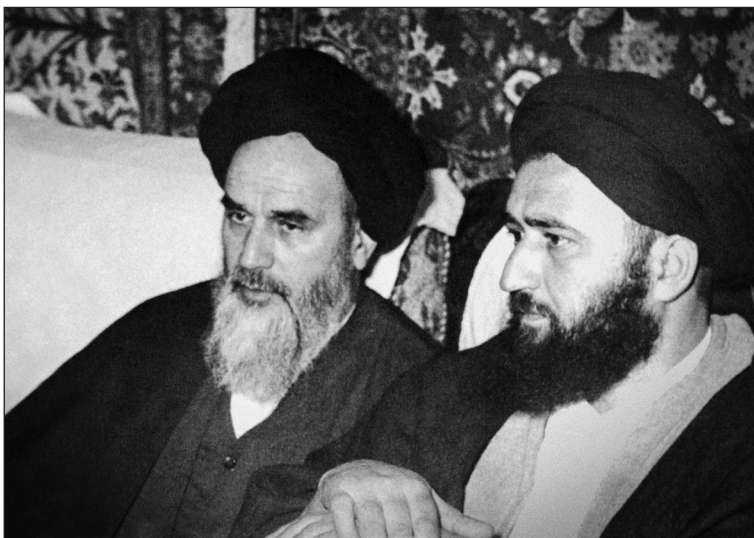
متن دستخط معظّم له پشت عکس: «عکاسی که تازه دگّان باز کرده است، دو روز قبل که دست مصطفی در دست عبور میکردم، خواهش کرد که برای تبرک و تیمن عکسم را بردارد. قیافه‌ی ظاهرالصلاح و حق بجانب اینجانب در این خواهش تمام مؤثر بوده است: «اللّهُمَّ اجعلنی کما یظنون»... صراحی میکشم پنهان و مردم دفترانگارند. مصطفی در این ایام که عشر اوّل ذیحجه ۱۳۸۹ است تازه به پنجمین سال وارد شده. جعله الله ذخرًا لدیننا و دنیانا و قرة عین لنا فی الاولى و الاخرة. آمین ربّ العالمین»



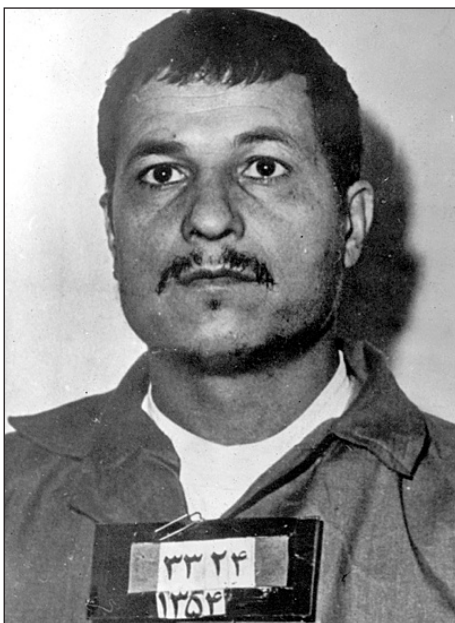
یکی از برادرانم آمد و گفت: ساواکی‌ها وارد خانه شده‌اند! من به طرف آنها رفتم تا وارد قسمت مهمانها نشوند. دیدم مادرم در حیاط، مقابل دو مأمور ساواک ایستاده و بشدت با آنها جزو بحث میکند. او پوشیده در حجاب و روبسته، مثل شیرینی در برابر آن دو نفر ایستاده بود.



خواستیم بدانم آنجا، کجا است؛ لذا به مأموری که پیش من مانده بود، به ترکی گفتیم: «بورا هارادی؟»؛ یعنی اینجا کجا است؟... با نگرانی و احتیاط، نگاهی به چپ و راست انداخت و با لهجه‌ی ترکی گفت: «گیزیل گله» یعنی: «قزل قلعه».



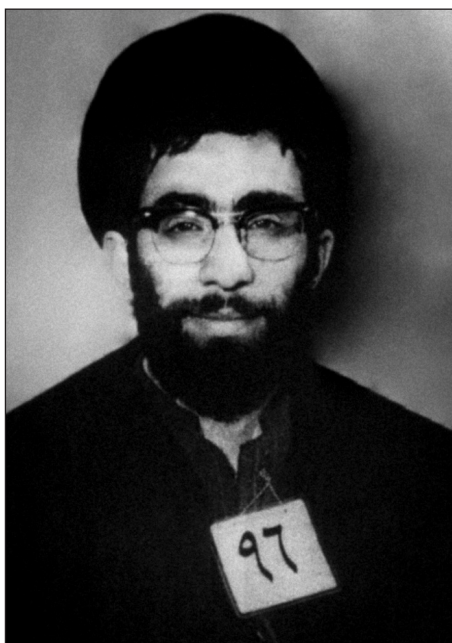
در زدم. مرحوم حاج آقا مصطفی - فرزند امام - در را باز کرد و از دیدن من دچار شگفتی شد. از من پرسید: کی آزاد شدید؟ گفتم: دو روز پیش. وارد یکی از اتاقها شدم و امام را در برابر خود یافتم.



من و همسرم تصمیم گرفتیم به ملاقات آقای هاشمی رفسنجانی برویم. ملاقات با زندانیان سیاسی هم کار آسانی نبود؛ اما من به دلیل تجربیاتی که در زندانها داشتم، توانستم این ملاقات را برای خود و همسرم میسر کنم... وقتی با آقای هاشمی روبرو شدیم، او از این شیوه که توانستیم با آن به ملاقات او برویم، خوشحال بود.



در گوشه‌ای از حیات، مردی بلندقد
و پنجاه شصت ساله را دیدم که با
وقار و آرامش قدم میزد. لباس مرتب
و تمیز او حاکی از آن بود که یکی از
شخصیتهای مهم بازداشتی است.
درباره‌ی او پرسیدم، مطلع شدم که
او سرتیپ قرنی... یکی از ژنرالهای
عالی رتبه‌ی ارتش شاه است.



از ساختمان ساواک به یک
بازداشتگاه نظامی واقع در یک
پادگان، در مجاورت مرکز نگهداری
منتقل شدم؛ چون آن زمان مشهد
زندان ویژه‌ای برای سیاسی‌ها
نداشت... بازداشتگاه، یک
ساختمان تمیز و سفید بود. ما آن را
«کاخ سفید» مینامیدیم!





شاه با جشنهای ۲۵۰۰ ساله میخواست پیوند تاریخ ایران را با اسلام قطع کند و از طریق شکوه و عظمت بخشیدن به ایران پیش از اسلام، به طور غیر مستقیم القا کند که اسلام مفاخر و عظمت ایران را برباد داده است!



من و برخی از دوستان در امور تشکیلاتی، که در قم کاری جالب و ابتکاری بود سرآمد بودیم. نخستین تشکیلات بین علما را در قم پی ریزی، و آیین نامه‌ی داخلی آن را تدوین کردیم.



از طریق امامت مسجد، ارتباطات اجتماعی گسترده‌ای داشتم. امامت نماز را نخست در «مسجد امام حسن (علیه السلام)» شروع کردم... و سپس به «مسجد کرامت» انتقال یافتم... فعالیت این مسجد گسترش یافت و در نتیجه حساسیت دستگاه حاکمه را برانگیخت؛ لذا مداخله کرد و از نماز خواندن من در آن مسجد جلوگیری کرد.



آقای ربانی املشی با شگفتی و حیرت به من نگاه کرد و گفت: چه میگویید؟! گفتم: بله... اثاثیه‌ی ما همه همین است که اکنون در خانه می‌بینید. من بیش از این اثاثیه‌ای ندارم. چهره‌ی ایشان درهم رفت، سری تکان داد و با یک شگفتی آمیخته به تأسف از گلایه‌ی خویش، کلمه‌ی دلسوزانه‌ای گفت که همواره آن را به یاد می‌آورم.



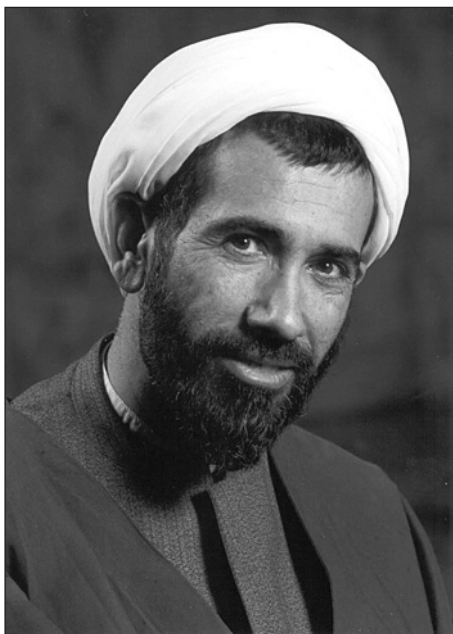


یک روز در خیابانی نزدیک دانشگاه
تهران پیاده می‌رفتم که، ناگهان با
آقای هاشمی رفسنجانی روبرو شدم...
به من گفت: شما چطور به این شکل
در خیابان راه می‌روید و خود را مخفی
نمی‌کنید؟! گفتم: برای چه مخفی
شوم؟... گفت: شما تحت پیگرد
هستید، و گروه یازده نفره لو رفته است.



آقای قدوسی شروع به صحبت
کرد. آنچه را بین او و بازجوی
ساواک گذشته بود، و سؤالهایی
را که از او شده بود، برایمان شرح
داد. گفت: آنها در خلال بازداشت
موقت، لیستی از اسامی گروه
یازده نفره را به من نشان دادند.
بعد رو به من کرد و گفت: اسم
شما در اوّل لیست بود!

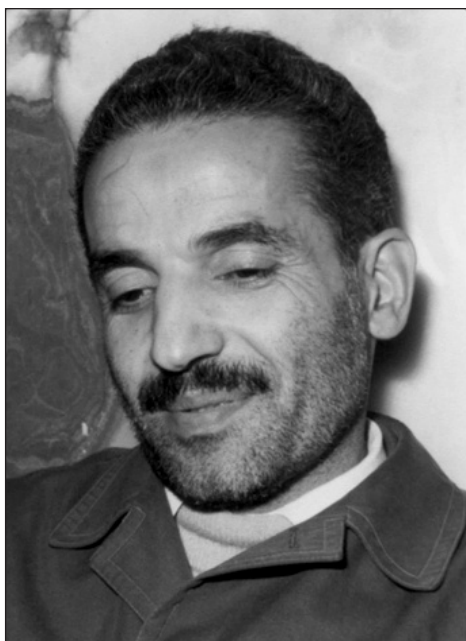




یکی از ما پیشنهاد کرد به خانه‌ی
دکتر باهنر که نزدیک خیابان ایران
بود، پناه ببریم. به آنجا رفتیم و
دیدیم همسرش بیرون رفته و او
در خانه تنها است. از او خواهش
کردیم از خانه خارج شود و ما را تنها
بگذارد. با کمال میل قبول کرد،
جای چایی را به ما نشان داد و
خودش بیرون رفت.



میان من و سلول شهید رجایی،
یک سلول فاصله بود. من با سلول
مجاور به وسیله‌ی موریس حرف
میزدم، پیام به سلول رجایی
میرفت و پاسخ آن برمیگشت.



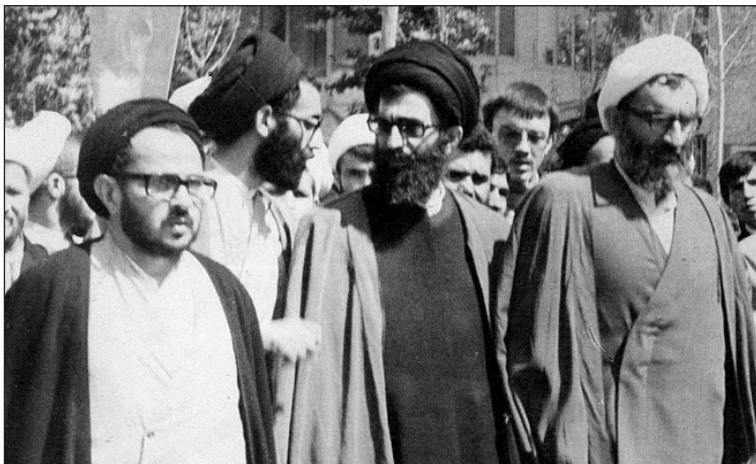


سپس به منزل دکتر بهشتی تلفن
کردم. باور نمی‌کرد: ... این شما هستید؟
بیرون آمده‌اید؟ چگونه شما را آزاد
کردند؟ سپس گفت: من مشتاقانه
منتظر شما هستم.



سپس به یزد رفتم. آقای
صدوقی، رهبر این شهر - به
معنای واقعی کلمه - بود. مواضع
و وظایف مردم را در تمام امور
مبارزاتی و سیاسی و اقتصادی
مشخص می‌کرد و همه چیز به آنها
می‌آموخت. با شجاعت تمام در
صحنه‌ی انقلاب حضور داشت
و بدون واژه‌ای از چیزی و کسی،
همچون شیر با رژیم می‌جنگید.

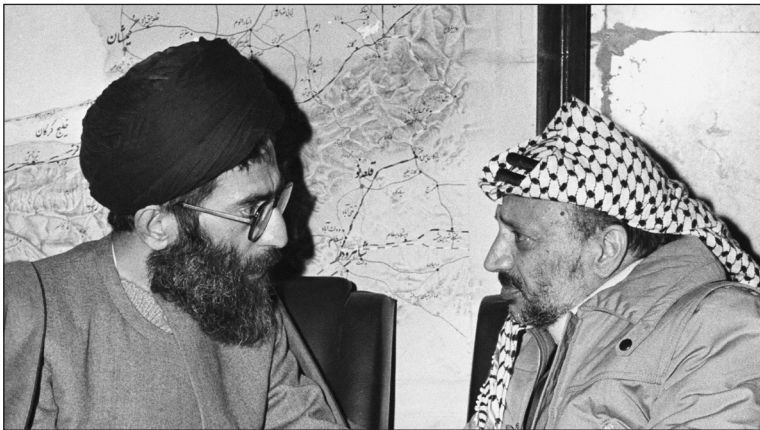




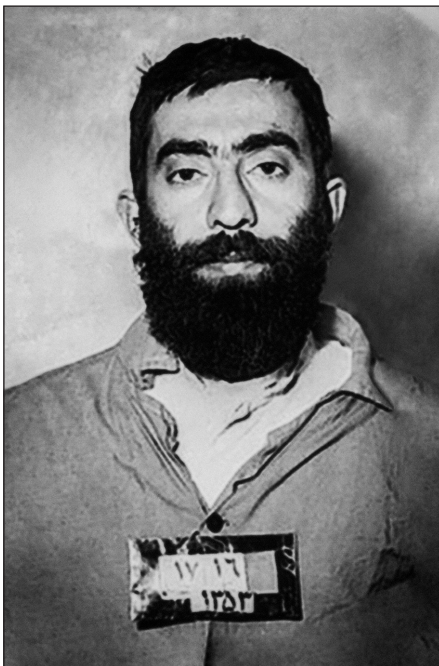
پس از رسیدن خبر درگذشت حاج آقا مصطفی (رضوان الله علیه)، ما در مشهد برای موضع‌گیری لازم برنامه‌ریزی کردیم. من به اداره‌ی پست و تلگراف رفتم و چهار تلگراف تهیه کردم؛ یکی به نام خودم، دیگری به نام آقای طبسی، سومی به نام آقای محامی، و چهارمی به نام آقای هاشمی‌نژاد.



ما را وادار میکردند مسیرها و گذرگاه‌های داخل اردوگاه را صاف و هموار کنیم. من پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از همین اردوگاه دیدن کردم و در سخنرانی‌ای که آنجا داشتم، به نظامیان گفتم: من در صاف کردن و هموار کردن بیشتر مسیرهای این اردوگاه شرکت داشتم!ام!

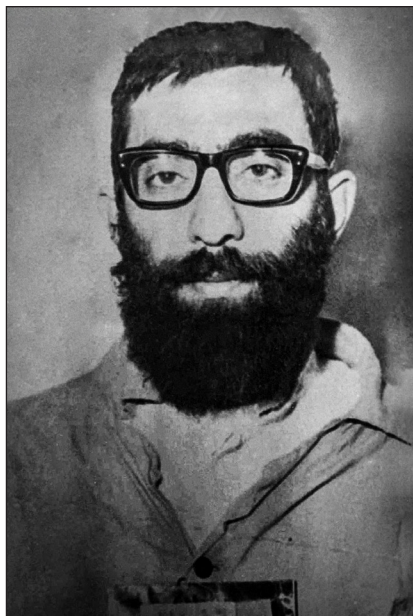


به خاطر دارم که آن شب، رادیو، تلگرام یاسر عرفات را که به کنفرانس سران عرب فرستاده بود، پخش میکرد. من متن تلگرام را که گوینده‌ی رادیو تکرار میکرد، مینوشتم. هنوز برخی جملات این تلگرام را - به خاطر تأثیر شدیدی که در من گذاشت - به یاد دارم؛ و هنگامی که در سال ۱۳۵۹ یاسر عرفات به تهران آمد، برخی عبارات آن را برایش بازخواندم؛ از جمله، این عبارت را: «دریایی از خون ... و ۲۰ هزار نفر کشته و زخمی...».



در اتاق به دوروبرم نگاه کردم. حافظه‌ام مرا به زندانهای سابق بازگرداند. دیدم که من به فضای زندان عادت کرده‌ام و با آن خو گرفته‌ام. تا آن ساعت، تفاوتی میان این زندان و زندانهای قبلی نمیدیدم.

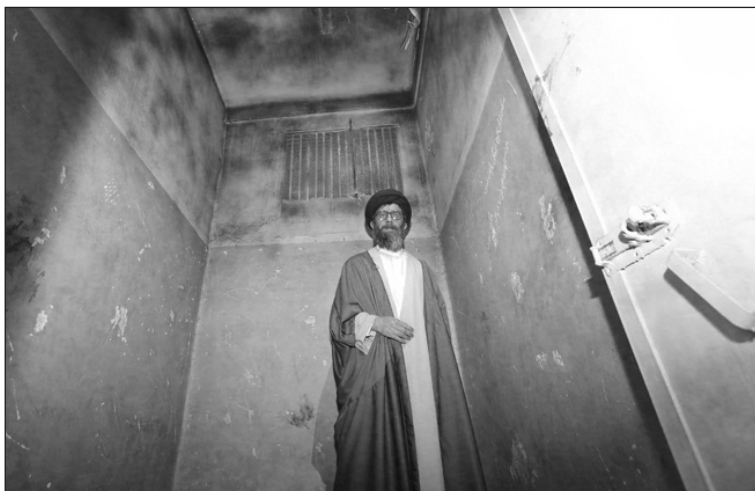




از خواب بیدار شدم، درحالی که تمام
جزئیات این خواب در ذهن من بود؛
همچنان که تا به اکنون نیز در ذهنم
باقی مانده است. خوابم را برای خیلی
از بستگان و دوستان نقل کردم؛ از جمله
برای مادرم (رحمة الله علیها)، که فوراً این
خواب را چنین تعبیر کرد: بله، تو یوسف
خواهی شد، به این معنی که همواره در
زندان خواهی بود!

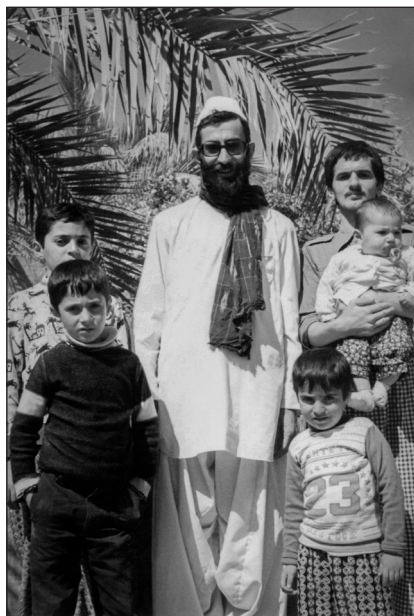


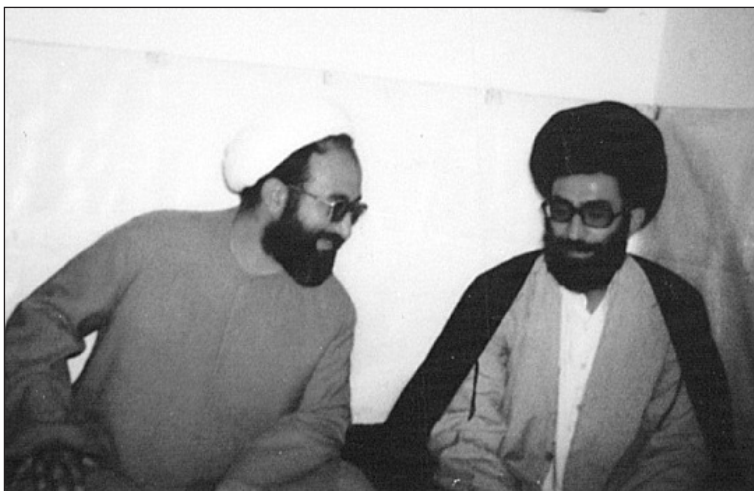
ناله و فریاد شکنجه شونده‌گان، روزها گوشه‌ایمان را می‌آزد و در برخی شبها نیز تا صبح ادامه
می‌یافت. روش شکنجه‌ی آنها هم حساب شده و دقیق بود. در این زندان، همه چیز در جهت
خرد کردن شخصیت فرد بود تا از نظر روحی فرو بریزد. (فضای بازسازی شده در موزه‌ی عبرت)



روزهای پی‌درپی را در سلول گذراندم. چنین روزهایی بسیار سخت و سنگین است و تا کسی گرفتارش نشده باشد، نمیتواند آن را درک کند. یک روز سلول، برابر یک ماه ماندن در بند عمومی است. دست‌کم میتوان گفت: هشت ماهی را که در سلول این زندان گذراندم، برابر گذراندن هشت سال در بند عمومی بوده است. (فضای بازسازی‌شده در موزه‌ی عبرت)

در همین ایام خانواده برای دیدار من به ایرانشهر آمدند. میثم شش ماهه بود. برای خانواده امکان ماندن با من در ایرانشهر وجود نداشت، چون از اوایل تابستان گرمای هوا در این شهر بشدت گرم میشود و تا ۵۳ درجه میرسد. در خانواده کودکان خردسال داشتیم و خانه تجهیزات سرمایشی و وسایل آسایش نداشت؛ لذا پس از دو هفته، به مشهد بازگشتند.

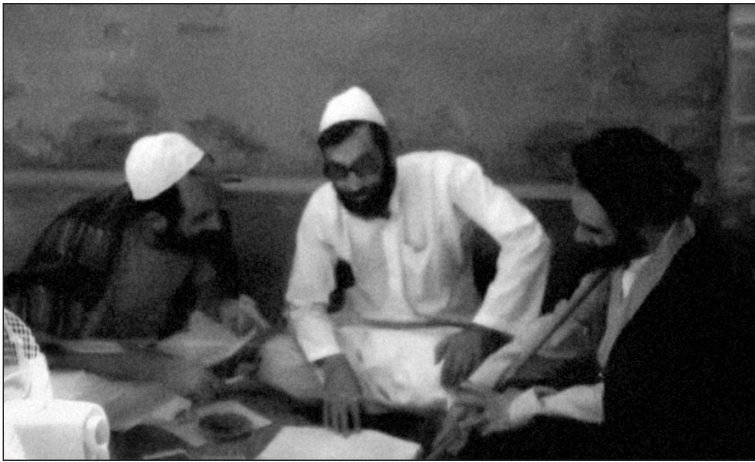




آقای راشد یزدی از جهت خوش مشربی و لطیفه‌گویی معروف است. با وجود علم و ادبی که دارد، مرد شوخ‌طبعی است که خنده از لبانش و نکته و لطیفه از زبانش جداشدنی نیست.



ماه رمضان فرا رسید و فرصت ارتباط با مردم، بیش از سایر ماه‌ها فراهم شد. رئیس پلیس از این محبوبیت و پایگاه مردمی سخت ناراحت بود و نمیدانست در قبال ما تبعیدی‌های شهر چه کند.



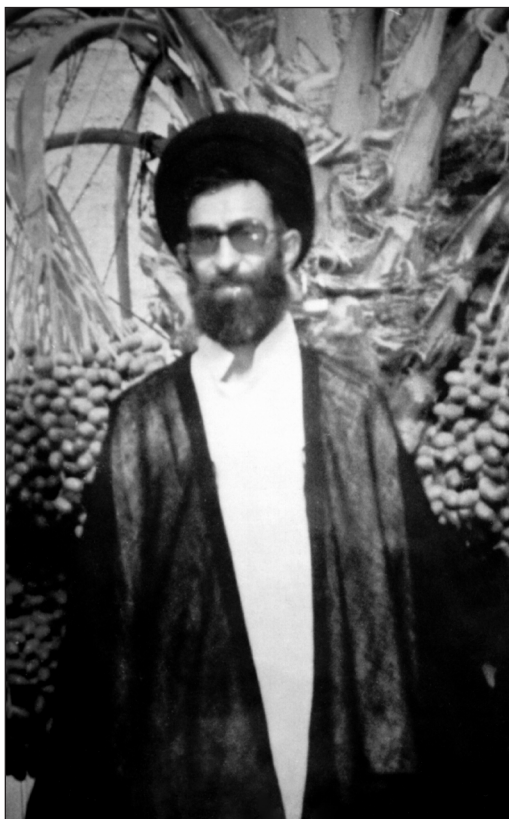
لباس بلوچی هم با قیافه و چهره و محاسن من متناسب بود. در آن شرایط، به دلیل ممنوعیت خروج من از ایرانشهر، پوشیدن لباس بلوچی بهتر از لباس روحانی بود.



وقتی آن کودک را که در حادثه‌ی سیل جان داده بود، دیدم، تحت تأثیر قرار گرفتم و عمیقاً گریستم. آن خانواده متوجه گریه و تأثر من شدند. آقای راشد به من گفت: اینها وقتی دیدند شما بیش از خودشان متأثر شده‌اید، شگفت زده شدند. خبر گریه‌ی من میان بلوچها منتشر شد.



به آنها گفتم: من اتومبیل
دارم و باید با اتومبیل خودم
بروم. گفتند: این غیر ممکن
است. گفتم: بنابراین من از
رفتن خودداری میکنم و شما
هر کاری میخواهید، بکنید.

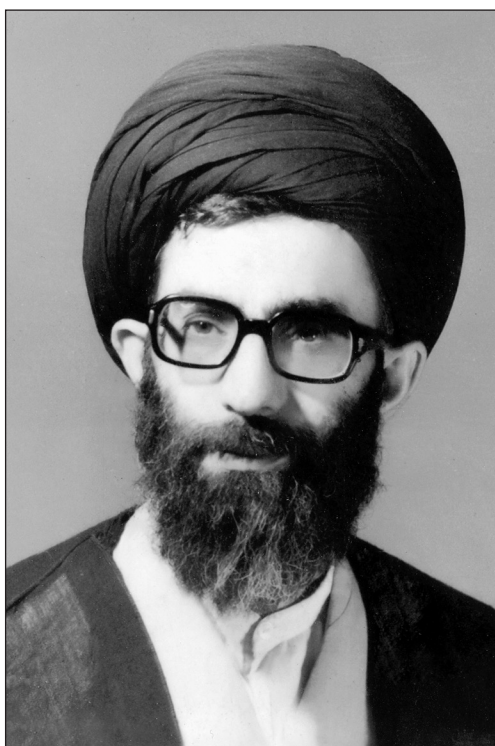


شبی رئیس پلیس آمد و به من
گفت: شما آزادی! من هیچ
تعجب یا خوشحالی از خود
نشان ندادم و با این خبر با
بی تفاوتی برخورد کردم. از این
موضع من خیلی متعجب شد.
گفتم: میخواهم در جیرفت
بمانم!





در مشهد ماندم و مشغول
فعلیتهای انقلابی بودم، تا
اینکه به فرمان امام راحل...
برای حضور در شورای انقلاب به
تهران فراخوانده شدم.



فاصله‌ی میان آزادی من از
تبعید تا عضویت شورای انقلاب،
حدود چهار ماه بود! همچنان که
بین آزادی و انتخاب به
ریاست جمهوری، سه سال
فاصله شد!



[illegible]

مقدمه‌ی کتاب صلح امام حسن (علیه السلام) به خط حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله)

(صفحه‌ی ۱۶۵)

تتمتع بآثار
از: مرحوم آیت الله، مصلح
بزرگ، امام سید عبدالحسین
مُرف الدین .

صفحات ابتدایی کتاب صلح امام حسن (علیه السلام)
به خط حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله)

بسم الله الرحمن الرحيم

صلح حسن علیه السلام بجاویز ، از رزق رزق جوارا بود که امام اهل بیت پس از رزل اکر -

صلی علیه السلام - از حیات این است باده و چیرند .
 X امام حسن با این صلح ، آینه محنت طاق فرساید که هیچکس جز ملک خدا ، قادر بر آن
 نیست . لیکن او این آزمائش عظیم را با پایداری و صبر و شجاعت و در پرتو پیروزی و
 رست یافته به هدف خود - یعنی مراعات حکم خدا و قرآن و پیامبر و صلح مسلمانان -
 از راه پیروزی دست . و این هاه هدف بود که او بار بار ~~تکلیف~~ هر گشت در عمر باده نظر
 و خوشی میدید .

آنکه که ادب ابرار است طبعی و عاقبت اندیشی تمام کردند - هم آندسته از ایمانی حرکت
 تأثیر بر روح و جسم ، آرزو بر آید که : کاش می بود در جهاد با صلح پایداری میکرد و از
 راه نجات ، زندگی یافت و به پیروزی از راهی که بر او میسر بود در در عمارت
 در رسید ، میرفت و می رسید ... این هرگز را در پیروان کتب کفر و دوزخ و مقداری

نیت
 شکست آنکه مردم تا کنون هرگز در بار این صلح دچار اشتباه و گمراهی نبوده اند و هرگز
 که با بررسی کامل و با استناد به دلائل و تراجم عقلی و فقهی ، میسای این صلح را درونی سازد .

[illegible]

آنچه هر روز تمام گشتاخ و حق ناپذیر ایران را به جبرست درخت انداخته ، بر بسیاری و مروج سنی بی بسیعی
 نهی روحانیت است و سرقتش بر کندی حسی گزیده و گزیده مسلمان . و آگاهای درخت ، آگاه
 ملت است و تقسیم و عزم تا طعن در پی دارند و هر دو ملت . مبارزی یک ملت ، چندین خطری
 برای بزرگ و ضد خودی در جند دارد . در نوبت ، در شفق ، طلب ، و حتی کار کردن و صنف تنهائی یک خطری
 جدی برای این بزرگ و عصبانی نژاد . بیرون با بیرون ، راجع همه و همه بیگنی ، نژاد بزرگ از سایر قشری
 ملت بود ، و مفصل کرد و با صلح تمام و هر صلح دیگر . که البته وای یک دستگاه بسته و دیگر کار دارد از
 دیگری نیست . حتی ملت و دانش یعنی دیگر قشر و نژاد و نژاد یا ساکنی ساخت . آنچه خطری
 و نژاد را تشکیل می دهد مبارزی « ملت » است : و وقتی همدی قشر از نژاد و طبع ناکار و
 کن و تمام نژاد و هر جمع و صنف و میله و نژاد ، کارندان و فرمان حریفی . کلد و
 یک ملت زبان به تفرض کردند و دل به قمار بست ندارند ؛ وقتی همدی جیم و باز شد و همه دانستند که چه
 می آید و چه تلاقی بر آید . آنگاه و جیم بر آید می رود ؛ وقتی همدی گزیده و دلاور فرمان
 آید و همه را در زمینه و جوب تغییر بر می و شکری و از آوری و حاجت نژاد شنید و نژاد شنید ؛ وقتی
 همه دانستند و همه خوانستند و همه تقسیم رفتند و همه دست به آید زدند ، آفرینت است که خطری برای غنا
 منصب و لایستخدا حتی و صلح ناپذیر است . چه مروج و دیگر نه همدی ملت لیم می نژاد ؟ و یکی یا
 چه نژادی می نژاد از عدای این نام بر آید ؟ در وضع کنونی و هر نژاد بنا بر یک نژاد یافت و دواوری ملت
 مسلمان ایران ، تنها نژادی که می نژاد همدی ملت را صلح کند بی بسیعی . نه همدی روحانیت است ، و
 نه هم نژاد دیگر .

و به صورت است که هر اورد روحیت و لطیفه و باقره جمال حضرت یزید علیه درنده ان کلمات . و هم
به صورت است که درسی چند سال گذشته بحکایت این هیکل خواسته است و باقره اعلی دین پیدا کند و
حق و عدل حال که در آن زمان و کما بهیتر و در تفریق عیال و امر و حبشیان و قوی خیریت و در آن
از کس و ای حجب نظر دیگر خوداری کرد و در میان بازم مستطوفه های از عدل دین را به سیدی است
درین عادت چنین است که چنانچه با ما جسی خوشی کردیم . هر که روحانیت سید . و حق و در جماعت
مستقیم قیله آفریدند از کلمات است آینه آن حرف خوارش کردند .
و نیز به صورت است که در این ظاهر و جانی از این در حال ای بسطیست ضربه از داری درنده ان و
صحن علی نهایی و البته جفته مرق و باقره صوره و در آن است .

[illegible]

ماجرایز فقط سید حبیبی عفا، بانی اصلی این میرید، محسوب می‌شود. در آنستقام حکومت و سید
 که برای مردم شکر است نسبت عمری در دهان قرار داد از طرفی ایجاد عیب و نسبت مردم در دل عاصی
 از طرفی خویشی و قتر عام، و هم در دل عاصی زهد، از طرفی فساد و شکر در دهن زهدان و شکرایی
 بی‌بافت و ارجاع به اوقات نظای در بسته بافتات و بسته و گویان و صد در دهان طمانه
 بهانه‌گر و گویان که در دهان قرار داد و امید به میرید .
 و از طرف دیگر ایجاد ترمیم و وصل در مردم را به عین بزرگ و لغو در حلقه‌ای می‌دهد آنان را به طر
 از راه و برج نظامی و بیات این مطلب که حکومت از نظر و راه و چه بوی کرد و هر کدامی جز
 و بهایمتری رکنه گو و عین هر لغتی از این بود و هر دلی ندارد (که در بیات مردم است
 بهر جهت بید می‌شود) یا استیاد و اقامت، حکومت را تسخیر می‌کند و احادیث تقیم می‌دهد
 آن را به مردمی اندازد (که یکی از بهایم صرف و سیرت و اظهار می‌کند) یا اینکه کار از این حرف‌ها گذشته
 و خطای گذشته که در نهایت عدم در حالت خود بهیچ وجه نمی‌تواند و بهیچ وجه
 تن در داد (که مصنفی اظهار می‌دارد از بهایم بزرگ تم جو) . پیدا است که همین طر و فکری از راه
 چه به مردمی نسبت می‌آورد و نهایت در اصل از کجاست می‌گو و با چه وسایلی در ذهن آقایان عاصی
 و از طرف دیگر تلخ کردن هر کار و نهایت بر از طرفی : همه در دهن را نفس منور است و می‌شود
 در طر و سیرت ۴۲ و ۴۳ و ۵۰ تا ۵۱ عین برآمده می‌دهد و نقد می‌کند که در حقیقت روح و مردمان
 جزو می‌شوند را تلخ می‌دارد و عاصیان در زندانها و سوله‌ها و تسمیه‌ها بهیچ وجه نمی‌تواند و می‌شود آن
 خود ضحالی کاغذ شاخته در بسته آید .

براهن عقلی خود را در بار
بانه توحید و احدی را در دست گرفته و می رانند که در آن آیه که نصف عری و بی بار
بود. لیکن اگر بعد از آنکه در دست گرفته و می رانند نصف عری و بی بار در هر حدی از آن پیشه می
در آید بنیم و در زیادت بر آن دلیل می آید.

در امید است که با این کتابت از دست نماند
 امروزه وضع نظامی بسیار است. ملت ما پس از این سال تجربه در بار امر خود کفایت نمی کند
 مردمی که دارند دانسته اند که با همی و ستاد و از لایه های مختلف استادی و نظامی و
 در هر یک از اینها به هم می آید و با کارهای آنها در هر یک از اینها به هم می آید و با کارهای آنها در هر یک از اینها به هم می آید
 لیکن امروزه بهر جهت برتری بی ادوار و در هر یک از اینها به هم می آید و با کارهای آنها در هر یک از اینها به هم می آید
 این نوشته است که در مقاله بان می آید و در هر یک از اینها به هم می آید و با کارهای آنها در هر یک از اینها به هم می آید

این رفته دست اخته نزد مقام بانان بخایه برده بود
از این دراصل این رفته از برای دستخاک است که طرف صحنی قید است ، و با این اسم می گویند

و نیز با شکر و حمد و مدح :

[illegible]

۴ از راه وحید و دوحا که در وقت یاسعیه قمر شمال و مجید
۵ از راه دوحا که در وقت یاسعیه قمر شمال و مجید
۶ از راه دوحا که در وقت یاسعیه قمر شمال و مجید

[illegible]

و آن بنا بر سه واسطه است که بر هر یکی از این سه واسطه یکی از سه واسطه است و هر سه واسطه
که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه
این سه واسطه است.

و این سه واسطه که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه
که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه
این سه واسطه است.

و این سه واسطه که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه
که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه
این سه واسطه است.

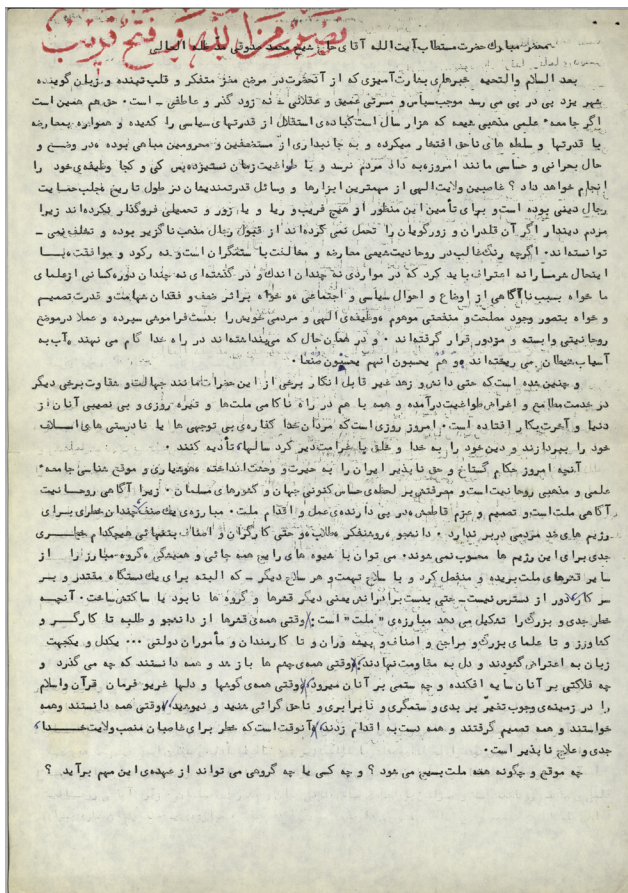
و این سه واسطه که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه
که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه که بر هر یک از این سه واسطه است و هر سه واسطه
این سه واسطه است.

[illegible]

دعوت به اسلام

ایران ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹،

۱۳۵۷/۰۶/۰۶



تصویر صفحه‌ی اول از جزوه‌ی

«مسئولیت علما در قبال انقلاب اسلامی و رویارویی با توطئه‌های دشمنان»

(صفحه‌ی ۳۱۴)

نمایه‌ها

آيات

٢١٤	٩٦	بقره	ولتجدتهم احرص الناس...
١٩٤	١٥٦	بقره	الذين... إنا اليه راجعون
١٨٠	١٤٦	آل عمران	وكأين من نبي قاتل...
٩٩	٤٨	توبه	لقد ابتغوا الفتنة من قبل...
٢٥٠	١٢٥	نحل	ادع الى سبيل ربك بالحكمة...
١٥٣	٦٥	عنكبوت	فإذا ركبوا في الفلك...
٣١٨	٤ و ٥	روم	في... من قبل... بنصر الله...
٢٥١	٢٤	سبأ	قل من... وإنا أو ايتاكم...
٩٥	٥٠	يس	فلا يستطيعون توصية...
٣١٨	١٨٠-١٨٢	صافات	سبحان ربك رب العزة...
١٦٣	٣٢	ص	فقال اني احببت حب...
٢٥٠	١٧ و ١٨	زمر	والذين... فيبشرون... يستمعون...
٢٥١	٨	ممتحنه	لاينهاكم الله عن الذين...

روایات

- ۵۴ - یابن آدم وقرالزاد ...
- ۵۹ امام صادق(ع) لو علم الناس كيف ...

اشعار

		الف. اشعار عربی
۳۹	-	و کَأَنَّ مَحْمَرِ الشَّقِيقِ
۳۹	-	و کَأَنَّ التَّجُومَ بَيْنَ دَجَاهَا
۳۹	-	کَأَنَّ مِشَارَ التَّنْعِ فَوْقَ رُئُوسِنَا
۳۹	ابو تمام	يقول في قومس قومي وقد اخذت
۴۱	-	انت و حياض الموت بيني و بينها
۴۱	-	سأصبر حتى يعلم الصبر أنني
۴۱	اشعار ابوزيه	البدر شعّ بجبينك والله ليله
۴۲	جواهری	نامی جیاع الشّب نامی
۴۳	جواهری	نامی علی تلك العظّات
۴۳	جواهری	تبّاً لدولة عاجزين توهموا
۴۴	جواهری	اطبق دجی، اطبق ضباب
۴۵	جواهری	سیدی ايتها الاعزّ الاجل
۴۵	جواهری	اباالحسين تحیات معطرّة
۴۶	جواهری	ایران عاد الصّبح من افراح
۴۶	جواهری	قالوا سکت و انت افطع ملهب

۴۶	جواهری	لکن وجدت سلاحهم فی عطلة
۱۶۱	حطیئه	و بات ابوهم من بشاشته اباً
۱۶۱	-	وقد دقت و رقت واسرقت

ب. اشعار فارسی

۹۱	مولوی	عار ناید شیرا از سلسله
۱۲۷	-	جمله گویند از برنا و پیر
۱۷۶	-	کرم نما و فرود آ، که خانه خانه ی توست
۲۲۶	میرزا زاده	شب بد، شب دد، شب اهرمن

اشخاص، اقوام، سازمانها، وقایع و ...

آتش دست، احمد: ۲۸۳	اصفہانی، سید ابوالحسن: ۵
آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم: ۵، ۱۹،	اعراب: ۱۳۹
۲۳	امت اسلامی: ۲۲۶
آذری قی، احمد: ۸۰، ۹۹، ۱۴۲	امت مسلمان ایران: ۲۲۶
آرام، احمد: ۳۸	امیرانی، علی اصغر: ۱۳۹
آل یاسین، راضی: ۳۸، ۱۷۷	امینی، ابراهیم: ۸۰، ۱۴۲
آمریکا: ۱۷۸، ۱۹۲	انقلاب اسلامی: ۲۵، ۴۵، ۴۹، ۵۷،
آموزگار، جمشید: ۳۱۵	۸۱، ۸۲، ۹۴، ۱۰۰، ۱۲۱، ۱۹۲، ۲۱۶، ۲۲۶،
آوانسیان: ۱۲۴، ۱۲۵	۲۵۶، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۳، ۳۱۷
ابراهیمی دینانی، حسین: ۷۶	انور سادات: ۲۵۶
ابو قتاد: ۳۹، ۴۰	اهل بیت (ع): ۲۳۴
ابوذیه: ۴۱، ۱۲۲	اهل کتاب: ۱۲۵
احمدی، احمد: ۲۴۱، ۲۶۶	بابایی (برومند): ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶
استاندار خراسان: ۵۵	باهر، محمد جواد: ۵۸، ۱۳۰، ۱۴۳
اسرائیل: ۷۱، ۷۷	بجستانی، شیخ حسین: ۲۳
اسلامی، صادق: ۳۰۱	بجنوردی: ۲۴

- بروجردی، سید حسین: ۵۶، ۶۵
 بهشتی، سید محمد حسین: ۵۸، ۲۶۷،
 ۲۷۴، ۳۰۱
 بهشتی، عبدالزّهراء: ۱۲۲
 پاکروان (تیمسار): ۱۲۸
 پورمحمدی، اصغر: ۳۰۳
 پورمحمدی، شیخ عباس: ۳۱۷
 پویان، پرویز: ۹۰
 پهلوی: ۱۸
 پهلوی، رضا: ۳، ۱۵، ۱۹، ۱۲۷
 پهلوی، محمدرضا: ۵۷، ۶۵، ۶۷، ۷۱،
 ۸۰، ۱۰۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۹۲، ۲۱۴، ۲۲۵،
 ۲۳۹، ۲۲۶
 نائب، شیخ اسماعیل: ۱۹
 تبریزی، غلامحسین: ۱۳
 تدین (کاظم غلامزاده): ۱۴۰
 تدین، میرزا حسین: ۱۳
 تهمی: ۸۸
 جامعه‌ی مدرّسین حوزه‌ی علمیّه‌ی قم:
 ۸۰
 جبهه: ۲۸۰، ۲۸۳
 جبهه‌ی آزادی بخش عرب: ۱۲۱
 جعفرین محمد، امام صادق (ع): ۶۷، ۲۳۰
 جمال عبد الناصر: ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۷۷-۱۷۹
 جمهوری اسلامی: ۴۵، ۸۱، ۱۹۲، ۳۰۷
 جنبش مشروطه: ۱۸
 جواهری، محمد مهدی: ۴۲-۴۶
 جهان عرب: ۴۹
 چاپخانه‌ی خراسان: ۱۴۰
 حاج رمضانعلی (معلم قرآن): ۱۴
 حاج محقق: ۱۹
 حاجی صدیق: ۳۰۶، ۳۱۶
 حاجی صفاریان: ۱۶۳
 حاجی عابدزاده: ۴۹
 حافظی، شیخ جواد: ۲۶۴
 حائری تهرانی، مهدی: ۸۰، ۹۹
 حائری، مرتضی: ۶۳
 حجت‌بن الحسن، امام زمان (ع): ۴۹
 حجتی کرمانی، محمد جواد: ۱۰۱، ۲۷۷،
 ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۹۵، ۳۱۵
 حزب توده: ۲۴۷
 حزب رستاخیز: ۲۱۴
 حسین بن علی، امام حسین (ع): ۲۵،
 ۷۰، ۷۶، ۸۸، ۸۹، ۱۰۵، ۱۲۴، ۱۵۱، ۲۸۹
 حسینی، سید جلیل: ۲۴
 حکیم، سید محسن: ۲۴
 حوزه‌ی علمیّه: ۵۶
 حوزه‌ی علمیّه‌ی قم: ۶۵، ۶۷، ۱۶۱، ۳۱۴
 حوزه‌ی علمیّه‌ی مشهد: ۳۱۴
 حیدری، شیخ علی: ۷۶

- خامنه‌ای، سید جواد: ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۶، ۱۹، ۲۳-۲۵، ۲۸، ۲۹، ۵۲، ۵۳، ۶۴، ۱۱۲، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۱، ۲۴۲
- خامنه‌ای، سید حسین: ۴
- خامنه‌ای، سید مجتبی: ۲۰۴، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۷۰، ۲۷۶
- خامنه‌ای، سید محمد (برادر رهبر انقلاب): ۴، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۵۶، ۶۶، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۹۹، ۱۴۵، ۲۷۰
- خامنه‌ای، سید محمد (عموی رهبر انقلاب): ۵، ۲۹
- خامنه‌ای، سید مسعود: ۲۷۶
- خامنه‌ای، سید مصطفی: ۱۴۰، ۱۵۱، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۳۱، ۲۷۵
- خامنه‌ای، سید میثم: ۲۷۵، ۲۸۲
- خامنه‌ای، سید هادی: ۱۲، ۱۴، ۱۴۶، ۱۷۵، ۱۷۷
- خاندان میردامادی: ۳۳
- خجسته (خانم): ۱۲۹، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۱، ۲۰۱، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۴۳، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۷۶
- خجسته، حسن: ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۷
- ۳۰۹، ۳۱۵
- خلخال، صادق: ۲۷۴
- خلیل جبران، جبران: ۳۵
- خمینی، سید روح الله، امام خمینی (ره): ۴۹، ۵۷، ۶۳-۶۷، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۵-۷۷، ۸۱، ۸۶، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۹۲، ۲۴۱، ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۷۳، ۳۱۵، ۳۱۸
- خمینی، سید مصطفی: ۷۵، ۷۷، ۱۳۲، ۲۷۳
- خوانساری، سید احمد: ۶۶، ۶۷
- خوزستانی‌ها: ۱۲۱
- خوئی، سید ابوالقاسم: ۱۹، ۲۴
- خوئی، سید علی اکبر: ۱۹
- خیابانی شیخ محمد: ۴، ۱۳
- دستغیب، سید عبدالحسین: ۳۱۴
- دولت اسلامی ایران: ۳۴، ۴۹
- دوما، الکساندر: ۲۹
- رادیو صدای فلسطین: ۱۵۵
- رادیو صوت العرب: ۱۷۹، ۱۸۰
- راشد یزدی، کاظم: ۱۱۲، ۲۸۱، ۲۸۲
- ۲۸۴، ۲۸۹، ۲۹۰
- ریاب: ۹
- ربانی املشی، محمد مهدی: ۸۰، ۱۶۱
- ۱۶۲، ۳۰۹، ۳۱۲
- ربانی شیرازی، عبدالرحیم: ۸۰، ۹۹، ۱۰۰
- ۱۴۴، ۳۰۹، ۳۱۳
- رجائی، محمد علی: ۱۳۰، ۲۴۰، ۲۴۳

رحیمی، فخرالدین: ۲۸۹، ۲۹۶، ۲۹۷	۲۳۹، ۲۴۷، ۲۷۵
رزم آرا، حاجعلی: ۵۲	سبحانی، جعفر: ۱۰۰
رژیم بعثی عراق: ۱۲۱، ۳۱۸	سپاه: ۳۰۳
رژیم شاه: ۲۰، ۵۲، ۵۶، ۵۸، ۶۷، ۷۰، ۷۲، ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۴، ۹۵، ۱۰۲، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۲، ۲۰۱، ۲۱۵، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۵۷، ۳۰۸، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸	سپهبد قرنی: ۱۳۰، ۱۳۱
ریاست جمهوری: ۱۳	سعیدی، محمدرضا: ۲۵۹
رئوفی: ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۳	سفینه ی غزل (دفتر): ۱۱۳، ۱۱۹
رئیس پلیس ایرانشهر: ۲۹۶	سنوسی، محمد ادريس: ۱۷۹
رئیس پلیس جیرفت: ۳۱۶	سوکارنو، احمد: ۲۴۸
رئیس جزیره ی کیش: ۸۶	السید الحبوبی: ۴۰
زامداران عرب: ۴۹، ۲۲۶	سید قطب: ۳۵، ۳۸، ۱۴۰، ۱۷۷، ۱۷۸
زمانی (استوار): ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۹	سید کاظم: ۱۲۴
زنجانی، میرزا باقر: ۲۴	سیف الدوله: ۴۲
زواگو، میشل: ۲۹	شاه آبادی، شیخ محمد علی: ۲۴۱
ژاندارمری: ۲۳۹	شاهرودی، سید محمود: ۲۴
سازمان مبارزاتی مسلحانه ی مخفی: ۱۹۹	شیرری، سید جعفر: ۷۶
ساقی (استوار): ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۲۸	شریعتمداری، سید محمد کاظم: ۶۷
ساواک مشهد: ۲۷۶	۳۱۴، ۳۱۵، ۷۶
ساواک: ۹، ۳۸، ۷۱، ۸۱، ۹۰، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۳۲، ۱۳۹، ۱۴۰-۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۸، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۸۲، ۱۸۶، ۱۹۰، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۵	شریعتی، علی: ۵۹
	شریف امامی، جعفر: ۳۱۵
	شفیق: ۲۶۷
	شمقدری، علی: ۲۸۱
	شورای انقلاب: ۱۲۸، ۲۱۳، ۳۱۸
	شهادی کربلا: ۱۵۱
	شیخ حنش: ۱۲۲
	شیخ ذبیح الله: ۱۹۳

- شیخ صاحب الزّمانی ارومیه‌ای: ۱۹
 شیخ عیسی: ۱۲۲، ۱۲۳
 شیخ فائق: ۱۶، ۱۷
 شیخ فشارکی: ۲۵، ۲۸
 شیخ هادی کتاب فروش: ۶
 شیرازی سید عبدالله: ۱۹
 شیرازی، سید کمال: ۱۰۱، ۱۱۹
 صادق: ۲۷۸
 صدوقی، محمد: ۱۰۰، ۲۸۱، ۲۹۱، ۳۱۴، ۳۱۸
 طباطبائی، سید محمد حسین: ۱۰۱
 طهماسبی، خلیل: ۵۲
 عبادی، سید مهدی: ۱۰۴
 عباس میرزا: ۱۸
 عبدالباسط: ۱۸۰
 عرب زعفرانی، سید محمد: ۱۵
 علم، اسدالله: ۶۴، ۸۶، ۸۷، ۸۹
 علم الهدی: ۲۶۰
 علوی: ۲۳
 علی بن ابی طالب، امیرالمؤمنین (ع): ۱۰۵، ۱۲۴، ۱۷۸
 علی بن موسی، امام رضا (ع): ۳، ۴۴، ۴۵، ۱۹۱
 غرب: ۱۷۸
 غضنفری: ۱۹۰
 غلّه زاری، عباس: ۵۵
 فاجعه‌ی مسجد گوهرشاد: ۱۹، ۲۰
 فاضل شریبانی: ۴
 فاطمه بنت موسی، حضرت
 معصومه (س): ۶۵
 فاکر: ۹۰
 فال اسیری، سید حسام الدین: ۱۴
 فدائیان اسلام: ۵۲، ۵۵
 فردوست، حسین: ۲۰، ۸۵
 فرزانه: ۲۷۸
 فضل الله، سید محمدجواد: ۴۲
 فلسطینی‌ها: ۱۵۵
 قاجاریه: ۱۸
 قدسی، غلامرضا: ۱۴۰، ۱۶۷
 قدوسی، علی: ۸۰، ۹۹، ۱۰۰، ۱۴۲، ۱۴۳
 قدیریان، احمد: ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳
 قزوینی، شیخ مجتبی: ۱۴۶
 قزوینی، شیخ هاشم: ۲۴، ۵۴
 قصیده‌ی اطبق دجی: ۴۴
 قصیده‌ی روز شهید: ۴۳
 قصیده‌ی لالایی گرسنگان: ۴۲
 قمی، جعفر: ۱۶۷
 قمی، حاج آقا حسین: ۱۹، ۷۰، ۷۷، ۸۶، ۱۴۶
 قمی، سید حسن: ۱۴، ۱۳۹

- کارشناسان اسرائیلی: ۲۱۱
 کاشانی، سید ابوالقاسم: ۱۴، ۵۲، ۵۴
 کاشف الغطاء، محمد حسین: ۴۲
 کامیاب، سید رضا: ۱۶۳، ۲۷۸
 کاوه: ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۶
 کرمی، شیخ محمد: ۳۵
 کریم‌پور، محمد حسین: ۲۸۰
 کشورهای عربی: ۲۲۵
 الکعبی، آل ناصر: ۴۱، ۱۲۲، ۱۲۳
 الکعبی، شیخ دهراب: ۱۲۲، ۱۲۳
 کفائی، شیخ احمد: ۲۳
 کفعمی، محمد رضا: ۹۹، ۱۰۱-۱۰۳، ۱۰۵
 ۱۰۶، ۱۱۵، ۲۹۱
 کلاه شاپو: ۵۳
 کمالی: ۲۵۸
 کمونیسم: ۱۳، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۴۷، ۲۵۱
 کمیته‌ی انقلاب مشهد: ۲۱۴
 کمیته‌ی مرکزی انقلاب: ۲۱۳
 کنفرانس باندونگ: ۲۴۸
 کوچصفهانی: ۲۵۹، ۲۶۵
 گروه دوّم ابودر: ۲۴۶
 گروه یازده نفره: ۱۴۲
 گروهک فرقان: ۱۳۱
 گروهک منافقین: ۱۰۱، ۱۳۰
 گلپایگانی، سید محمد رضا: ۶۷، ۷۶
 ماقوت (خوراکی): ۱۸۳
 مامقانی، شیخ حسن: ۴
 مامقانی، شیخ عبدالله: ۴
 منتجبی، ابوطیب: ۴۰، ۴۲
 مجلس شورای اسلامی: ۱۶۴
 مجلس شورای ملی: ۱۸، ۳۱۶
 محامی، محمد رضا: ۲۷۳
 محقق، مهدی: ۱۹
 محمد قطب: ۳۵، ۳۸
 محمد بن عبدالله، پیامبر اکرم (ص): ۵۴، ۱۸۲
 محمود علی البّناء: ۱۸۰
 مدرّس یزدی، سید احمد: ۲۴
 مدرّس، سید حسن: ۱۸
 مردم قم: ۳۱۲
 مرعشی نجفی، سید شهاب الدّین: ۷۶
 مروارید، علی اصغر: ۸۰
 مزاری، علی: ۱۰۴
 مسعودی: ۲۳
 مشکینی، علی: ۸۰، ۹۹
 مشیری: ۲۶۵
 مصباح یزدی، محمد تقی: ۸۰، ۹۹
 مصطفی اسماعیل: ۱۸۰
 مطهری، مرتضی: ۵۸، ۵۹
 معلّم مکتب‌خانه‌ی دوّم: ۱۲
 معین الغریاء: ۲۸۰
 مفتّح، محمد: ۲۳۰

- مکارم شیرازی، ناصر: ۲۸۱
- نشاط (سرهنک): ۱۷۳
- ملّا عباس: ۱۴
- نوّاب صفوی، سیّد مجتبی: ۴۹، ۵۲-۵۵
- ملّا باجی: ۹
- نهضت امام خمینی (ره): ۴۹، ۵۷، ۶۵،
- منتظری، حسینعلی: ۸۰، ۹۹، ۱۴۴
- ۸۱، ۸۵، ۹۹، ۱۱۲
- منتظری، محمّد: ۱۴۳
- نیری تهرانی، حسن: ۱۶۷
- موسوی شالی، سیّد حسن: ۲۸۹
- واعظ طبسی، عباس: ۲۱۴، ۲۷۳
- موسوی قوچانی، سیّد عباس: ۲۲۲-
- واعظ، شیخ حسام: ۲۶۵
- واعظی: ۱۴۲
- ۲۲۴
- واقعۀی آذربایجان: ۱۳
- موسوی قهدربجانی، سیّد حسین: ۲۷۴
- واقعۀی تنباکو: ۱۸
- موسی بن عمران، حضرت موسی (ع): ۸
- هاشمی رفسنجانی، اکبر: ۵۸، ۷۷، ۸۰،
- مولوی قمرالدین: ۲۸۴
- ۳۰۹، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۲، ۱۲۹، ۹۹
- مؤسسه‌ی سپیده: ۱۴۰
- هاشمی نژاد، عبدالکریم: ۲۷۳
- میردامادی (خانم): ۸، ۹، ۱۴، ۱۶، ۲۸،
- همسر جواهری: ۴۵
- ۳۳-۳۵، ۹۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۷۱،
- هند: ۱۵
- ۲۶۳، ۲۴۲، ۱۷۲
- یاسر عرفات: ۱۵۵
- میردامادی نجف‌آبادی، سیّد هاشم: ۳،
- یزدی، میرزا حسن: ۲۴
- ۶، ۸، ۱۹، ۳۳
- یوسف بن یعقوب (ع): ۲۶۳
- میرزای شیرازی: ۴
- میرزای قلی: ۱۸
- میرزای نائینی: ۵
- میلانی، سیّد محمّد هادی: ۲۵، ۶۶، ۷۰،
- ۷۷، ۸۶، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۶، ۲۶۰
- مین باشیان (تیمسار): ۱۱۱
- نزاری، سیّد باقر: ۴۰، ۱۲۲، ۱۲۳

کتابها

- قرآن کریم: ۸، ۱۳-۱۵، ۳۳، ۷۱، ۱۰۰،
 ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۸۴، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۵۹، ۲۷۶
 آنجا که حق پیروز است: ۱۵۱
 آینده در قلمرو اسلام: ۳۸، ۱۴۰
 اسلام و مشکلات تمدن: ۳۸، ۱۵۲، ۱۷۷
 اشک و لبخند: ۳۵
 اغانی: ۴۰
 امثله: ۲۳
 اُنمُذَج: ۲۳
 تذکره المتّقین: ۱۱۹، ۱۲۰
 جامع المقدمات: ۲۳، ۳۳
 در سایه سار قرآن: ۳۸
 دیوان حافظ: ۸
 ذکر یاقی: ۴۴
 رساله‌ی عباسیه: ۱۸
 رسائل: ۲۴
 رسائل عرفانیه: ۱۹
- سیوطی: ۲۳
 شبهه‌هایی پیرامون اسلام: ۳۸
 شرح لمعه: ۲۴
 شفاء: ۱۰۱
 صحیفه‌ی امام: ۱۱۲
 صرف میر: ۲۳
 صلح امام حسن: ۳۸، ۱۶۶، ۱۷۷
 صمدیه: ۲۳
 عوامل منظومه: ۲۳
 عمّ جزء: ۱۲
 کتاب تجوید: ۱۵
 کفایة الاصول: ۲۴، ۲۵
 مطول: ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۹
 معالم الاصول: ۲۴
 مغنی: ۲۳، ۲۴، ۳۹
 مکاسب: ۲۴، ۲۸

مکانها

بزم‌ان: ۲۸۳	اخلمد: ۷۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۶۷
بصره: ۲۹	اراک: ۲۳۰
بغداد: ۳۵	اردن: ۱۵۵
بلوچستان: ۱۰۴، ۱۱۲	استان آذربایجان: ۱۸۱
بم: ۳۰۶، ۳۱۷	استان خراسان: ۳
بندرلنگه: ۳۱۷	اصفهان: ۱۸، ۳۳، ۱۰۰، ۱۴۰
بیرجند: ۸۱، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰	اقلید: ۲۹۶
۹۴، ۱۰۷، ۱۰۹	ایذه: ۲۹۶
پادگان سلطنت آباد: ۱۱۴، ۲۰۵	ایران: ۱۹، ۸۹، ۱۳۹، ۱۷۸، ۲۲۶
پاریس: ۳۱۸	ایران‌شهر: ۱۱۲، ۲۷۷، ۲۸۱-۲۸۳، ۲۸۸
تبریز: ۴	۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۴-۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۳
تربت حیدریه: ۹۰	۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۳، ۳۱۷
تهران: ۷، ۱۸، ۱۹، ۲۹، ۳۰، ۶۶، ۷۲	ایستگاه راه آهن تهران: ۲۳۸، ۳۰۲
۸۵، ۸۹، ۱۱۲-۱۱۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۴	ایستگاه راه آهن مشهد: ۲۳۴
۱۴۶، ۱۹۰، ۲۱۳، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۳	بازار مشهد: ۵، ۲۶۰
۲۳۵، ۲۳۸، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۹۱، ۳۰۱	باشگاه افسران تهران: ۷۲

زندان اوین: ۲۵۸	۳۰۳، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۸
زندان قزل قلعه: ۴۰، ۱۱۸، ۱۲۸، ۱۲۹	جاده‌ی شمیران (خیابان شریعتی): ۱۱۵
زندان کمیته: ۲۳۹-۲۴۳، ۲۴۶-۲۴۸	جیرفت: ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۶-۳۰۸
۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۷	۳۱۲، ۳۱۴-۳۱۷
زندانه‌های شاه: ۸۱، ۸۲	چابهار: ۲۸۱
ساری: ۲۳۱	حرم حضرت عبدالعظیم حسنی: ۲۶۱
سفارت عراق: ۱۱۵	حرم رضوی: ۳، ۱۴، ۳۳، ۱۹۱، ۱۹۳
سنندج: ۲۸۲، ۲۹۵، ۳۱۶	۲۲۹، ۲۷۰
سیستان و بلوچستان: ۲۹۱	خاش: ۱۱۳
شهری: ۲۶۱	خراسان: ۸۵، ۳۱۲
شیراز: ۳۰۳، ۳۱۴	خرمشهر: ۲۹
عراق: ۳۴، ۳۵	خوزستان: ۱۲۱
فاطمیه‌ی ایرانشهر: ۲۷۹	خیابان الرشید: ۳۵
فردوس: ۲۹۴	خیابان الیزابت (بلوار کشاورز): ۱۱۵
فرودگاه تهران: ۳۰۲	خیابان ایران: ۱۴۲
فرودگاه زاهدان: ۳۰۲	خیابان نصرت: ۱۴۱
قائم‌شهر: ۲۳۳	دارالتعلیم دیانتی: ۱۳
قائن: ۹۰	دانشگاه تهران: ۱۴۱، ۱۴۲
قبله: ۲۰۶	دجله: ۳۵
قم: ۷، ۲۵، ۲۸، ۳۵، ۵۶، ۶۳-۶۵	رشت: ۲۶۵
۶۷، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۷۷، ۸۰، ۸۹، ۱۰۰	رفسنجان: ۳۱۷
۱۴۰، ۲۰۷، ۲۳۱، ۲۷۴، ۲۸۳، ۲۹۱	زابل: ۱۳۹
۳۱۲-۳۱۴	زاهدان: ۷، ۸۰، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۲
قوچان: ۱۹۳	۱۱۳، ۱۱۹، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۳، ۲۹۱
قیطریه: ۷۲، ۱۳۲	زندان اردوگاه مشهد: ۹۰، ۹۱، ۹۴

- کاخ‌مین: ۳۵
 کتابخانه‌ی شوشتریه: ۲۹
 کریلا: ۳۰۹
 کرمان: ۱۳، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۲، ۲۳۰،
 ۲۹۴، ۳۱۷، ۳۱۸
 کرمانشاه: ۲۷۴
 گناباد: ۹۰، ۲۷۸
 مازندران: ۲۳۱
 مدرسه‌ی حجتیه: ۶۴، ۶۷
 مدرسه‌ی خان: ۱۰۰
 مدرسه‌ی سلیمان‌خان (سلیمانیه): ۲۳،
 ۲۴، ۵۲
 مدرسه‌ی فیضیه: ۶۷، ۷۰، ۷۱، ۷۷،
 ۸۵، ۸۷
 مدرسه‌ی نواب: ۲۴، ۵۳
 مرکزپلیس ایرانشهر: ۲۷۸، ۲۸۲
 مسجد امام حسن(ع): ۲۲۹
 مسجد امیرالمؤمنین(ع): ۱۴۱
 مسجد آل‌الرّسول(ع): ۲۷۸، ۲۸۳،
 ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۴
 مسجد جامع بازار: ۱۲۶
 مسجد جامع تبریز: ۴
 مسجد جامع ساری: ۲۳۲
 مسجد جامع قوچان: ۱۹۳
 مسجد کرامت: ۲۲۹
 مسجد گوهرشاد: ۱۹، ۱۵۸، ۱۹۱
 مسجد مصلی: ۸۷
 مسجد نور: ۲۸۴
 مشهد: ۳، ۷، ۱۳-۱۵، ۱۷، ۲۴، ۲۵،
 ۲۸-۳۰، ۳۳، ۴۹، ۵۴، ۵۵، ۶۳، ۶۴،
 ۶۶، ۷۰، ۷۲، ۷۷، ۸۵، ۸۸، ۸۹، ۹۰،
 ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۴-۱۴۷،
 ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۰۵، ۲۱۳، ۲۳۰، ۲۳۱،
 ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۷۳، ۲۸۲،
 ۳۰۳، ۳۱۸
 مقرّحزب جمهوری اسلامی: ۳۰۱
 مقرّفرماندهی ایرانشهر: ۲۷۸
 مکتب‌خانه: ۹، ۱۲
 مگه: ۲۰۶، ۲۶۴
 مهدیه: ۴۹، ۵۲، ۵۳
 میدان امام خمینی: ۲۶۷
 میدان شهدا: ۳۱۵
 نجف: ۴، ۲۴، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۴۲، ۲۷۳
 نجف‌آباد: ۳۳، ۱۴۲، ۱۴۳
 وادی‌السلام: ۴
 هتل سفید، کاخ سفید: ۱۴۷، ۱۷۶
 همدان: ۲۳۰
 یزد: ۱۰۰، ۲۸۲، ۲۹۱، ۳۰۳، ۳۱۳، ۳۱۸

